

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

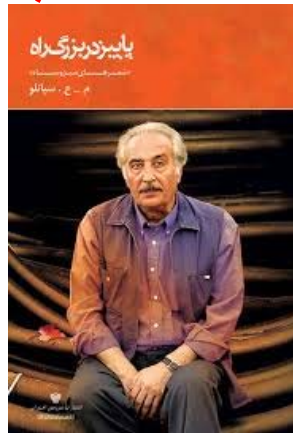
afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

الف جوانشیر
۱۳ می ۲۰۱۵

خاموشی اندوهبار شاعر « پیاده رو ها »!



محمد علی سپانلو، شاعر، پژوهشگر و منتقد سرشناس ایرانی در گذشت، مرگ شاعر نامی و از راهیان اسلوب نیما یوشیج، در بیمارستانی در تهران، اتفاق افتاد. سپانلو قبل از مرگ، بیش از پنجاه کتاب، شعر، نقد و ترجمه، منتشر کرده است. سپانلو در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در تهران زاده شد. عضو برجسته و قدیمی کانون نویسندگان ایران بود. از فاکولته حقوق دانشگاه تهران، فارغ التحصیل شده بود. جلوه های زندگی پایتخت و تهران نشینان در آثار شعری او جای پای محکم دارد.

کتاب «نویسندگان پیشرو ایران» که گزینه ای توأم با نقد و بررسی از آثار چندین نویسنده مطرح قرن بیست ایران است از قلم سپانلو، در دانشگاه های ایران، به عنوان منبعی با اعتبار، تدریس می شود!
«چهار شاعر آزادی»، اثر جالب و ماندگار دیگری است که سپانلو در آن، شعر و اندیشه شاعرانی چون محمد تقی بهار، عارف، عشقی و فرخی یزدی رابه کاوش گرفته است.

محمد علی سپانلو، نوشته هائی از آلبر کامو و ژان پل سارتر و گراهام گرین را نیز به فارسی- دری، ترجمه کرده است. شعر و سرگذشت گیوم آپالینز، شاعر پرآوازه سده بیست فرانسه و خالق شعر معروف «پل میرابو» نیز به وسیله سپانلو به دوستداران ادب، معرفی شده است!

کتابهای شعری سپانلو، به اسامی زیرین منتشر شده اند:

۱۳۴۲ – آه... بیابان

۱۳۴۴ – خاک

۱۳۴۶ – رگبارها

۱۳۴۷ – پیاده‌روها

- ۱۳۵۲ – سندباد غایب
 ۱۳۵۶ – هجوم
 ۱۳۵۷ – نبض وطنم را می‌گیرم
 ۱۳۶۶ – خانم زمان
 ۱۳۶۸ – ساعت امید
 ۱۳۷۱ – خیابان‌ها، بیابان‌ها
 ۱۳۷۷ – فیروزه در غبار
 ۱۳۷۹ – پائیز در بزرگراه
 ۱۳۸۱ – ژالیزیانا
 ۱۳۸۱ – تبعید در وطن
 ۱۳۹۰ – قایق‌سواری در تهران

از تألیفات دیگر زنده یاد سپانلو، « باز آفرینی واقعیت است» که ۲۷ قصه از ۲۷ نویسنده ایرانی را در بر می‌گیرد! سپانلو، در غرب نیز شخصیتی شناخته شده‌است، و توانسته‌است نشان شوالیه نخل – لژیون دونور- اکادمی فرانسه (بزرگترین نشان فرهنگی کشور فرانسه)، و جایزه ماکس ژاکوب (بزرگترین جایزه شعر فرانسه) را از آن خود کند! سپانلو در معرفی ادبیات و هنر امروز ایران به جهانیان، نقشی برجسته داشته است. مرگ او ضایعه ای بزرگ است. از میان اشعار او شعر کوتاه و صمیمی « ولگرد» زنده یاد سپانلو را با هم میخوانیم:

ولگرد

حالا تو هم سرخورده و پیاده نوردی
 راهی دراز و تهی پیش رو داری
 پر از حوادث بی تدبیر
 سواره یا پیاده ، مسافرانی از پشت سر می آیند
 شتابناک ، از بیخ گوشت پرواز می کنند؛
 سراچه هائی خواهی دید در هر دو سوی راه
 و پشت پنجره ها ، چهره های محوی را؛
 نفس نداری تا انتهای چشم انداز
 گام بزنی !
 نکال ها و بداقبالی ها را جبران کنی ؛
 ولی به سبک هنرمند راهنورد ، در آغاز حرکت
 خودت را می تکانی از کوله بار ذله کننده ،
 آزاد می شوی از قدرناشناسی ها ، از تلخکامی ها
 افق مقابل توست ؛ گرچه زیاد پیش نخواهی رفت
 سبکبار و شادمانه راه بیفت
 به سبک ولگرد کوچک سینما !